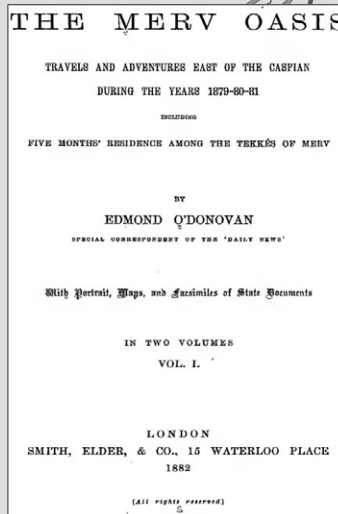


معرفی کتاب

سفرنامه دانوان



مهناز بغیری *



جدای از تعدادی از سفرنامه های خارجی مربوط به سرزمین استرآباد که ترجمه شده اند، تعداد قابل توجهی از سفرنامه های ترجمه نشده ی مرتبط با این حوزه ی جغرافیایی وجود دارند که گروه ترجمه ی مؤسسه فرهنگی میرداماد وابسته به مرکز تاریخ محلی این مؤسسه اقدام به ترجمه ی آن ها نموده و قصد دارد هرکدام از این متون را پس از تصحیح و توشیح، منتشر نماید. بنابراین، تصمیم بر آن شد از این پس در هر شماره ی فصلنامه میرداماد، به منظور آشنایی هرچه بیشتر خوانندگان، یکی از این سفرنامه های در دست ترجمه و انتشار، معرفی شود. در این شماره به سفرنامه دانوان می پردازیم .

* کارشناس ارشد
مترجمی زبان انگلیسی

میل دیرینه انسان به نگاشتن دیده ها، شنیده ها و دانسته هایش در طول تاریخ، باعث خلق آثار و گاهی خلق شاهکارهایی شده است. بررسی سیر زندگی انسان، دقیقاً از زمانی مفهوم روشن و آشکار پیدا می کند که بشر اقدام به ثبت احوال، سرگذشت و دانسته های خود نمود. چنان که از دوران پیدایش خط است که می توان اطلاعات دقیق تری از نحوه ی زندگی انسان کهن ارائه داد. میل به نگارش، در اعصار و قرون مختلف با استفاده از ابزارها و به شیوه هایی متفاوت ادامه یافت، تا به شکل مکتوب کنونی درآمد. می توان گفت بشر امروزی تا حدی فهم خود از تاریخ و زندگی گذشتگان را مدیون همین نوشته ها است. سفرنامه ها، زندگی نامه ها، دست نوشته های اطبا، معماران، آشپزها و ... از این قبیل اند.

سفرنامه های تاریخی یکی از بهترین ابزارها برای سفر در زمان اند. می توان با آن ها به مناطق مختلف سفر کرد و از دیدنی های موجود در آن مناطق، آداب و رسوم مردم آن جا، و بسیاری از جزئیاتی که ممکن است دیگر وجود نداشته باشند، آگاه شد و از خواندن آن ها حظی وافر برد. خواندن آن ها ممکن است زمانی لذت بخش تر شود که نوشته در مورد پیشینیان و گذشته زادگاه خود از دیدیک غریبه باشد. جدای از ارزش سفرنامه ها در بازخوانی تاریخ بومی و محلی نقاط مختلف یک سرزمین، این آثار به متخصصین رشته های مختلف کمک می کنند تا در مورد تاریخ علوم و فنون مختلف، اطلاعات جامع و با جزئیات بیشتری کسب کنند. علاوه بر موارد مذکور، سفرنامه ها دارای ارزش های ادبی نیز هستند که حفظ و انتقال این ارزش ها جزو رسالت های مترجمین و مصححین این متون است.

سرزمین جرجان و استرآباد هرچند در ادوار مختلف تاریخ، به دلیل موقعیت ویژه ی سوق الجیشی و استراتژیک، از اهمیت زیادی برخوردار بوده، کمتر مورد توجه جهانگردان و به ویژه سفرنامه نویسان قرار گرفته و به غیر از تعداد محدودی از سفرنامه ها و متون شبه سفرنامه ی متقدم داخلی و خارجی که قبل از دوره ی قاجار در معرفی این سرزمین نوشته شده، بیشتر سفرنامه های این منطقه مربوط به دوره ی قاجار است. به طوری که می توان گفت آغاز سفرنامه نویسی، به ویژه سفرنامه نویسی اروپایی در استرآباد، مربوط به دوران سلطنت فتحعلی شاه قاجار است. ویژگی سفرنامه های غیر ایرانی، در نگاه ریزبینانه ی آن ها و به عبارتی «نگاه از بیرون» است. البته هرکدام از غیر ایرانیانی که امروزه ما به عنوان جهانگرد یا سفرنامه نویس می شناسیم، به منظور و با انگیزه ای خاص به نگارش اطلاعات یک منطقه پرداخته اند که این انگیزه می تواند؛ صرفاً پژوهشی و یا به منظور جاسوسی بوده باشد. اما به هر حال اطلاعات ثبت شده توسط آنان با هر انگیزه و نیت، می تواند مبنای بسیاری از پژوهش های امروزی پژوهشگران بومی و ملی باشد.

یکی از بارزترین سفرنامه های دردست ترجمه، سفرنامه «واحه مرو» نوشته ادموند ادنون (۱۸۴۴-۱۸۸۳ م.) است. وی که متولد شهر دوبلین در ایرلند است، زندگی کوتاه اما ماجراجویانه و مخاطره آمیزی به عنوان خبرنگار جنگی بریتانیا داشت. ادموند ادنون، پسر

جان اُ دنوان، باستان شناس و مکان نگار مشهور ایرلندی، در ۲۲ سالگی همکاری اش را با آیریش تایمز و دیگر نشریات ایرلند آغاز کرد. در سال ۱۸۷۹، به عنوان خبرنگار ویژه دیلی نیوز لندن سفر مشهور و پرماجریش به مرو را آغاز کرد. در بدو ورودش به مرو، ترکمن ها با ظن جاسوسی وی برای روس ها، او را بازداشت کردند. پس از چندین ماه، اُ دنوان توانست خود را رهانیده و بوسیله تلگراف از طریق ایران پیامی برای مدیرانش در انگلستان ارسال کند. این حوادث و مخاطرات همراه با تصویرسازی های ناب نگارنده در کتاب «واحه مرو» به دقت شرح داده شده است. کتاب «واحه مرو» مشتمل بر دو جلد است و حوادث آن مربوط به سال های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ می شود.

در مدت این سه سال وی در اطراف دریای کاسپین در حال ماجراجویی بود که ۵ ماه از آن را در مرو اقامت داشت. ابتدا او تصمیم داشت تا تنها روایت سفرش به مرو را بنویسد، اما به توصیه ی دوستانش، ماجرای سه سال سفر را به رشته ی تحریر در آورد. بنابراین، او تجربیات و مشاهدات اش از سکونتگاه های روسی حاشیه شرقی دریای خزر گرفته تا گذرش از مناطق ترکمن نشین، تلاشش برای رسیدن به استرآباد و ماجراهای اقامتش در میان ترکمن های مرو را در این دو جلد بازگو می کند. همان طور که دنوان خود تأکید می کند؛ تمرکز این کتاب در واقع بر بخش های مربوط به واحه ی مرو است که وی با اهداف خاص به آن جا رفته بود. علاوه بر آن، بنا به اظهار نویسنده تمام اطلاعات موجود در این سفرنامه ی دوجلدی، مربوط به دیده ها و شنیده های نگارنده از مردم، شهرها و مکان های بازدید شده است و او به شدت از بیان خاطرات و دیدگاه های نویسندگان دیگر دوری جسته است.

جلد اول این سفرنامه ۲۹ فصل دارد که ۲۰ فصل آن مربوط به ماجراهای سفر دنوان در ایران می شود و از این تعداد؛ هشت فصل به ایالت استرآباد و پیرامون آن اختصاص یافته است. جلد دوم نیز ۲۸ فصل را در برمی گیرد که هفت فصل از آن مربوط به ماجراهای نگارنده در ایران می شود. اولین فصل از این مجموعه که مربوط به استرآباد است، فصل نهم از جلد اول است که در آن دنوان از خاطرات و اتفاق های رخ داده در مسیرش از اردوگاه چیکیشلر به سمت استرآباد می گوید. به روستاهای ترکمن نشینی که در آن جا مجبور به گذران شب شده اشاره می کند و از آداب و رسوم و خلق و خوی مردم آن جا سخن می گوید. جزئیات گذرش از رودخانه های صعب العبور و دشواری های مسیر را آن قدر زیبا تعریف می کند که تصویرش در ذهن خواننده نقش می بندد. او اولین چشم اندازش از استرآباد را چنین توصیف می کند:

«از میان درختستان های تُنک تر، چشمک های برج و باروهای زیبای شهر، که در آفتاب ظهر همچون طلا می درخشیدند، دیده شد. با نگاه از دور دست، آدم ممکن است خود را در حال اجرای بخشی از حکایت قلندر در قصه ی «شب های عربی» (قصه ی هزار و یک شب) تصور کند، و پس از یک سرگردانی خسته کننده در میان بیابان های بی نشان، ناگهان

بر فراز شهر مسحور برسد.»

در فصل های بعد، شرح اقامت و گشت و گذار وی در استرآباد را می خوانیم. از بازار استرآباد، که به زعم او سرزنده ترین قسمت شهر است، دیدن می کند و از درخت های چنار شهر به زیبایی یاد می کند. از باورهای مردم می گوید، از دیده هایش از کاخ قاجاری و هنر سرامیک سازی ایرانی و وفور حیوانات وحشی در آن سوی باروهای شهر و همچنین ماجراجویی هایش در مسیر استرآباد به گمش تپه را توصیف می کند. ظاهر روستاهای ایرانی را تعریف می کند و از رفتار کوچ روها می گوید. شرح بازدیدش از کمپ سربازهای ایرانی و دیدارش با یک ژنرال ایرانی را تعریف کرده و در ادامه ی مطالب، می توان در مورد دیده ها و شنیده هایش در گمش تپه خواند. از ترکمن های ساحل نشین و کسب و کار و خوراک شان گرفته تا دیوار فزل آلان، کلاه های نقره ای کودکان، دشت های نمک، روال زندگی روزانه در گمش تپه و آداب و رسوم زندگی در خانه های تاتاری می گوید. شیوه ی نگهداری کودکان، میهمان نوازی ترکمن ها، یموت ها، و سپس از تجارت در گمش تپه، از بازگشت حاجیان و شیعه و سنی سخن به میان آورده، در ادامه ی سفرش در منطقه، شرح بازگشتش از گمش تپه آمده است و در این میان از آب و هوای زمستانی و دشت برفی، سرپناه های احشام، قارچ ها، گیاهان، حیوانات و جنگل گل آلوده، همه و همه، سخن گفته است.

در مسیر بازگشتش به استرآباد، از دشت های اطراف آق قلا می گذرد و از اردوی نرگس تپه دیدن می کند. در مورد پل واقع بر رودخانه ی قره سو می نویسد و از شهر قدیم گرگان، پل آق قلا و طغیان رود گرگان، خطرات جاده، ناهارش با کوچ روها و از قطعی شدن سفرش به تهران می گوید. آخرین فصلی که از این مجموعه ترجمه می شود، مربوط است به خاطرات او از مسیرش از استرآباد تا انزلی از راه دریا. در ادامه از سفرش از انزلی به رشت، تهران، شاهرود، سبزوار، قوچان، مشهد، درگز، کلات نادری و در نهایت به مرو می گوید. او استرآباد را از بالای تپه ی قلعه خندان در غرب شهر، این گونه توصیف می کند:

«از فراز این تپه چشم اندازی با شکوه از دشت های امتداد یافته در شمال و شرق حاصل می شود - دریای خاکستری بنفش آلود وسیعی از سرزمین رویاها، با نواحی درهم آمیخته ی لاجوردی و پرتقالی اثیری، افقش برای چسبیدن به آسمان رنگی مبهم که بر بالایش آویزان است صعود می کند؛ شهر رمز و راز، سرشار از خاطره ی رویدادهایی عظیم در تاریخ بشر؛ که از آن لشگرهای چنگیز و تیمور، و بدون شک لشگرهای بی شمار دیگری، در روزگاران تار دیرینه ماقبل تاریخ گذشته است.»

شرح ماجراجویی های اُدنون در منطقه استرآباد، به انضمام شرح، تعلیقات و منضمات مرتبط با متن، به زودی توسط انتشارات بنام وابسته به موسسه فرهنگی میرداماد منتشر خواهد شد.